

بررسی ارتباط نیمرخ شخصیت افراد متقاضی طلاق با دلایل طلاق بر مبنای آزمون شخصیت‌سنج MMPI-2

هیوا کریمی^۱، فضل اله میردریکوند^۲، مهدی پورکرد^۳، ماکوان بهرام‌زاده^۴

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه لرستان

^۲ دانشیار دانشگاه لرستان

^۳ دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه لرستان

^۴ دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه لرستان

نام نویسنده مسئول:

فضل اله میردریکوند

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی افراد متقاضی طلاق با نوع دلیلی که برای طلاقشان عنوان می‌کنند، صورت گرفت. به این منظور ۱۲۱ نفر از افراد متقاضی طلاق، که از دادگاه خانواده شهرستان میروان به مرکز مشاوره ارجاع داده شده بودند، برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند که از این تعداد ۸۶ نفر با تمایل خود در پژوهش شرکت کردند. مراحل شرکت در پژوهش شامل تکمیل دو پرسشنامه دلایل طلاق و شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی فای کرامر تحلیل شد. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی افراد متقاضی طلاق با نوع دلیلی که برای طلاقشان عنوان می‌کنند ارتباط معناداری دارد. به این صورت که افرادی که دلایل شخصی (اختلافات فکری) را عنوان کردند، بیشتر دارای ویژگی‌های شخصیتی هیپوکندریک (خودبیمارپنداری) بودند. افرادی که به دلایل خانوادگی (ناسازگاری با خانواده همسر) طلاق گرفتند بیشتر واجد ویژگی‌های شخصیتی انحراف اجتماعی - روانی و پارانویا (بدگمان) بودند. و افرادی که به دلیل بیماری همسر (جسمانی یا روانشناختی) طلاق گرفته بودند، بیشتر دارای ویژگی‌های شخصیتی پارانویید (بدگمان) بودند. نتایج این پژوهش نشان داد که بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد قبل و بعد از ازدواج می‌تواند دارای تلویحات مهمی در شناسایی مشکلات زوجین و پیشگیری از طلاق باشد.

واژگان کلیدی: دلایل طلاق، نیمرخ شخصیتی، شخصیت‌سنج چندوجهی، متقاضی طلاق.

مقدمه

طلاق، فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی زوجین شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید پایان می‌یابد (گاتمن، ۱۹۹۴). نتایج تعداد قابل توجهی از پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از این است که در دهه‌های اخیر میزان طلاق در جهان افزایش یافته است (هارکونن و درونکرس، ۲۰۰۶) و ایران چهارمین کشور جهان از لحاظ نسبت طلاق به ازدواج تعیین شده است (نبوی‌حصار و احمدی، ۱۳۹۱). علت افزایش طلاق در دهه‌های اخیر ممکن است به دلیل دستیابی تعداد زیادی از افراد به منابعی باشد که آنها را برای غلبه بر موانع قانونی، اجتماعی و مالی طلاق مهیا کرده است. از سوی دیگر، با افزایش شیوع طلاق تعداد نهادهایی که به منظور کاهش عوارض ناشی از طلاق ایجاد شده‌اند بیشتر شده است و در نتیجه آن، کاهش هزینه‌های متعاقب طلاق افراد بیشتری را به انجام آن قادر ساخته است (بورچین، اسپجو و پارک، ۲۰۱۲).

اگرچه به تعداد زیادی از دلایل اجتماعی، روانشناختی، اقتصادی و فرهنگی توسط متقاضیان طلاق به عنوان دلایل طلاق اشاره شده است اما، مهم‌ترین علل تقاضای طلاق به ترتیب شامل مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین است (زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۶). در مجموع، دلایل مربوط به هر طلاق را می‌توان به یک یا چند مورد از دلایل زیر مربوط ساخت (سابهارانی، ۲۰۱۴):

- دنیای مجازی: سپری کردن زمان زیاد با استفاده از گوشی، کامپیوتر، اینترنت و ...
- بیماری: این دلیل مربوط به آثار بیماری روانی یا جسمانی یکی از زوجین است.
- مالی: این دلیل مربوط به عدم تفاهم در شیوه هزینه کردن منابع مالی خانواده، زوجین شاغل و هر دلیل دیگری که ناشی از اختلاف درباره مسائل مالی باشد.
- کاری: شامل تعهد افراطی یکی از زوجین به کار که بر کیفیت ارتباط زوجین تاثیر منفی گذاشته باشد.
- زناشویی: شامل دلایل مربوط به زندگی زناشویی مانند مشکلات جنسی، خیانت و ... باشد.
- خانوادگی: شامل مشکلات سازگاری با خانواده همسر یا دخالت خانواده زوجین می‌باشد.
- هر گونه دلیل مربوط به اختلافات اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی.
- شخصی: شامل دلایل مربوط به خود شخص مانند خودمحروری، بدبینی و ... است.
- هیجانی: مربوط به ماهیت بیانگری هیجانات بصورت آشکار و صادقانه، پایداری هیجانی و هر مورد دیگری که مربوط به تفاوت در شیوه ابراز هیجانات باشد.
- تفریحی و کنار آمدن: مربوط به فعالیت‌های اوقات فراغت و سازگار بودن در انجام این فعالیت‌ها مانند رفتن به مهمانی‌ها، سینما، پارک و .. است.

اختلالات و صفات شخصیت منبع مهمی از مشکلات ارتباطی هستند. طبق تعریف یک اختلال شخصیت الگوی پایداری از رفتار و تجربه درونی است که به پریشانی یا اختلال منجر می‌شود، انعطاف ناپذیر است و با انتظارات فرهنگی مغایر است در حالی که صفات شخصیت الگوهای پایداری از ادراک، برقراری ارتباط، تفکر درباره محیط و خویشتن هستند که در گستره وسیعی از زمینه‌های اجتماعی و شخصی ظاهر می‌شوند (DSM-5، ۲۰۱۳). بررسی تعداد زیادی از پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که یکی از دلایل مهم طلاق به مشکلات و اختلالات شخصیتی مربوط می‌شود (آریپلاکال و سام گیورگ، ۲۰۱۵؛ سابهارانی، ۲۰۱۴؛ بورچین، اسپجو و پارک، ۲۰۱۲؛ چراغ علی گل، رستمی و گودرزی، ۲۰۱۳؛ فانی و خیرآبادی، ۲۰۱۱؛ روبرت و دیگران، ۲۰۰۷).

پرسشنامه شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا (MMPI-2) به منظور ایجاد تشخیص افتراقی میان ویژگی‌های شخصیتی ساخته شده است. به این منظور ۸ مقیاس بالینی که گزاره‌های مربوط به هر کدام که به روش ملاک‌یابی تجربی انتخاب شده‌اند، قسمت اصلی نیمرخ شخصیتی محسوب می‌شوند که شامل: هیپوکندری، افسردگی، هیستری، انحراف اجتماعی، پارانویا، ضعف روانی، اسکیزوفرنی و هیپومانیا هستند (هوزل و مایر، ۲۰۰۸).

ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی، سلامت روانی و طول عمر و موفقیت شغلی و تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است. ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی در درک رفتار و عقاید و ترجیحات و در نتیجه شیوه متقاعد کردن افراد نقش بسیار مهمی دارد (سابهارانی، ۲۰۱۴). ویژگی‌های شخصیتی از طریق تاثیر بر تعارض‌های بین‌فردی بر احتمال وقوع طلاق تاثیر می‌گذارند و در مجموع در شکل‌گیری کیفیت سبک ارتباطی فرد موثر بوده و از آن طریق بر تعارضات ارتباطی اثر می‌گذارند (سولومون و جکسون، ۲۰۱۴). این ویژگیها بر نوع دلیلی که افراد برای طلاق مطرح می‌کنند تاثیر می‌گذارند و به دلیل تاثیر متفاوت هر ویژگی شخصیتی بر برداشت فرد از خود، دیگران و دنیا، موجب استدلال‌های مختلف می‌شوند (فومرو، سانتاماریا و لیرد، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های فراوانی به بررسی ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و طلاق پرداخته‌اند اما، ارتباط میان نیمرخ شخصیتی و نوع دلیل فرد برای طلاق بررسی نشده است. بنابراین، هدف اساسی این پژوهش بررسی رابطه نیمرخ شخصیتی افراد متقاضی طلاق با نوع دلیلی است که برای

طلاق مطرح می‌کنند. این بررسی می‌تواند منجر به شناسایی مکانیسم‌های روانشناختی موثر در طلاق و در نتیجه تعیین مداخله مناسب شود. از سوی دیگر، ارزیابی ساختار شخصیتی افراد متقاضی طلاق و نوع استدلال آنها به شناسایی نیمرخ‌های در معرض طلاق منجر می‌شود که در نتیجه هدف مناسبی برای پیشگیری‌های اولیه و ثانویه هستند.

۱. روش پژوهش و شرکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان این پژوهش شامل افرادی بودند که برای نخستین بار در زندگی‌شان به منظور پایان دادن به زندگی مشترک به دادگاه خانواده شهرستان مریوان مراجعه کرده و از آنجا به مرکز مشاوره ارجاع داده شده بودند. روش نمونه‌گیری، روش غیراحتمالی از نوع در دسترس بود. این نوع نمونه‌گیری بیشتر از آنکه بر مبنای انتخاب تصادفی محض باشد، مبتنی بر انتخاب انسان است. برای انجام این پژوهش ۱۲۱ نفر از افراد متقاضی طلاق توافقی که به مرکز مشاوره طلاق ارجاع داده شده بودند بر اساس ملاک‌های ورود انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شامل: نخستین درخواست طلاق در طول زندگی، تحصیلات در حد راهنمایی و تمایل فرد به شرکت در پژوهش بود. از میان ۱۲۱ نفر، ۸۶ نفر از نظر دلیل طلاق و ویژگی‌های شخصیتی ارزیابی شدند. ۳۵ نفر بقیه در طول روند ارزیابی از شرکت در تحقیق منصرف شدند.

برای تحلیل داده‌ها از همبستگی فای کرامر استفاده شد. از این نوع همبستگی برای توصیف همبستگی بین دو متغیر اسمی که بیش از دو سطح دارند استفاده می‌شود. بنابراین، برای محاسبه همبستگی نوع صفت شخصیتی با دلیل فرد برای طلاق از ضریب همبستگی فای کرامر استفاده شد.

۲. ابزارهای پژوهش

در انجام این پژوهش از دو ابزار آزمون شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا (MMPI-2) و پرسشنامه دلایل طلاق استفاده شد.

۲-۱- آزمون شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا (MMPI-2)

آزمون شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا یک ابزار عینی و معتبر برای ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی است. اطلاعات تفسیری مرتبط با این آزمون در طی بیش از هفتاد سال کاربرد بالینی بطور گسترده مورد پژوهش قرار گرفته است (باچر^۱ و پری^۲، ۲۰۰۸). این آزمون که دارای ۵۶۷ گویه بوده و مبتنی بر روش خودگزارش‌دهی^۳ است، توسط هاتاوی^۴ و مک‌کینلی^۵ (۱۹۹۳) تدوین شد. این آزمون به بیش از ۵۰ زبان ترجمه و بیش از ۱۰۰۰۰ پژوهش درباره آن منتشر شده است (باچر، ۱۹۸۸؛ داکورث^۶، ترجمه پاشاشریفی و نیکخو، ۱۳۷۸؛ و آرچر^۷، ۱۹۹۲). نسخه اولیه این آزمون ۱۳ مقیاس استاندارد داشت که ۳ مقیاس آن به روایی^۸ و ۱۰ مقیاس دیگر به شاخص‌های بالینی مربوط بود که در ویراست جدیدتر آزمون، این مقیاس‌ها همچنان حفظ شده‌اند (داکورث، ترجمه پاشاشریفی و نیکخو، ۱۳۸۷).

پژوهش‌های انجام شده در مورد پایایی^۹ شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا نشان می‌دهد که این آزمون از سطوح ثبات کوتاه مدت و همسانی درونی برخوردار است. در پژوهش هانسلی^{۱۰} و پارکر (۱۹۹۰) میانه دامنه ضرایب پایایی برای بیماران روانپزشکی حدود ۰/۸۰ و برای افراد بهنجار حدود ۰/۷۰ گزارش شده است.

در مورد روایی آزمون، پژوهش‌ها نشان داد که در مقایسه با سایر ابزارهای سنجش میزان شده، شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا نسبتاً دقیق‌تر است (مارنات^{۱۱}، ترجمه پاشاشریفی و نیکخو، ۱۳۸۴). کینکانن^{۱۲} (۱۹۸۶) نسخه کوتاهی که مشتمل بر ۷۱ سوال است را تهیه و منتشر کرده است. نسخه ۷۱ سوالی در فرهنگ ایرانی انطباق و هنجاریابی شده است (ازخوش، ۱۳۹۲). در این پژوهش از نسخه ۷۱ سوالی شخصیت‌سنج چندوجهی استفاده شده است.

¹ Butcher

² Perry

³ Self - report

⁴ Hathaway

⁵ McKinley

⁶ Duckworth

⁷ Archer

⁸ Validity

⁹ Reliability

¹⁰ Hunsley

¹¹ Marnath

¹² Kincannon

۲-۲- پرسشنامه دلایل طلاق

در این پرسشنامه تمام دلایل احتمالی طلاق آورده شده است که شامل دلایل مربوط به دنیای مجازی، بیماری، مالی، کاری، زناشویی، خانوادگی، هر گونه دلیل مربوط به اختلافات اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی، شخصی، هیجانی و تفریحی است. نحوه تکمیل این پرسشنامه به این صورت است که ابتدا آزمودنی تمام دلایل احتمالی طلاق را با توضیحات مربوط به هر دلیل می‌خواند و سپس از میان آنها مهم‌ترین دلیل را برای طلاق خود مشخص می‌کند. اگر آزمودنی به دو یا چند گزینه اشاره کرد برای او توضیح داده می‌شود که از میان آنها گزینه یا موردی که سهم بیشتری در طلاق داشته معلوم کند.

نتایج

برای بررسی ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و دلایل طلاق از آزمون فای کرامر استفاده شد. جدول ۱ مربوط به جدول بندی متقاطع ویژگی‌های شخصیتی و دلایل طلاق است. در این جدول ارتباط میان متغیرها بصورت دوتایی نشان داده شده است. ستون‌ها مربوط به دلایل طلاق و سطرها مربوط به ویژگی‌های شخصیتی است. همان‌طور که در جدول دیده می‌شود بیشترین ویژگی‌های شخصیتی در افراد متقاضی طلاق به ترتیب هیپوکندری (Hs) و پارانوئید (Pa) است (۲۹ از ۸۶ نفر دارای ویژگی‌های هیپوکندریک و ۲۰ از ۸۶ نفر دارای ویژگی‌های پارانوئید بودند) و کمترین ویژگی‌های شخصیتی مشاهده شده در این افراد افسردگی (D) و اسکیزوفرنی (Sc) است (۱ از ۸۶ نفر دارای ویژگی‌های افسرده وار و ۲ از ۸۶ نفر واجد ویژگی‌های اسکیزوفرنی بودند).

جدول ۱: جدول بندی متقاطع شخصیت * دلایل طلاق

	personality								Total
	Hs	D	Hy	Pd	Pa	Pt	Sc	Ma	
Illnesses	0	0	2	0	4	3	0	1	10
Financial	0	0	0	2	2	0	1	2	8
Marital	1	1	2	0	1	0	0	0	5
REAFamilial	3	0	1	6	6	0	0	0	16
Social.Cultural	4	0	0	0	0	0	0	0	4
Personal	17	0	7	5	7	0	0	2	38
Emotional	4	0	0	0	0	0	1	0	5
Total	29	1	12	14	20	3	2	5	86

از میان دلایل طلاق بیشترین دلیل طلاق مربوط به دلایل شخصی (Personal) است (۳۸ از ۸۶ مورد) و کمترین دلیل به دلایل اجتماعی - فرهنگی مربوط می‌شود (۴ از ۸۶ مورد).

در مجموع ۴ نوع ویژگی شخصیتی که بیشتر در معرض طلاق بودند به ترتیب عبارت بودند از شخصیت‌های هیپوکندریک، پارانوئید، ضداجتماعی و هیستریونیک. و ۳ دلیل اصلی طلاق به ترتیب شامل دلایل شخصی، خانوادگی و بیماری بودند.

طبق جدول ۱ رابطه این ویژگی‌های شخصیتی با دلایل طلاق به این صورت بود که افرادی که به دلیل شخصی طلاق گرفته بودند بیشتر دارای ویژگی‌های شخصیتی هیپوکندریک بودند (۱۷ نفر از ۳۸ نفر). در افرادی که به دلایل خانوادگی طلاق گرفته بودند، بیشتر ویژگی‌های شخصیتی پارانوئید و ضد اجتماعی مشاهده می‌شد (۱۲ نفر از ۱۶ نفر). و افرادی که به دلیل بیماری طلاق گرفته بودند، بیشتر واجد ویژگی‌های شخصیتی پارانوئید و ضعف روانی بودند (۷ نفر از ۱۰ نفر).

برای بررسی معناداری ارتباط ویژگی‌های شخصیتی و دلیل طلاق که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شد، آزمون χ^2 انجام شد که نتیجه آن در جدول ۲ آمده است. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میزان χ^2 برابر ۹۷/۴۴ است ($p < 0/05$) که نشان می‌دهد که رابطه میان ویژگی شخصیتی و دلیل طلاق از نظر آماری معنی دار است.

جدول ۲: آزمون خی ۲

Asymp. Sig. (2-sided)	df	Value	
,000	42	97,444(a)	Pearson Chi-Square
,000	42	81,064	Likelihood Ratio
,000	1	19,054	Linear-by-Linear Association
		86	N of Valid Cases

a 51 cells (91,1%) have expected count less than 5. The minimum expected count is ,05

به منظور بررسی شدت ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و دلایل طلاق آزمون فی و وی کرامر انجام گرفت که نتایج در جدول ۳ ارائه شده است. طبق نتایج جدول ۳ شدت ارتباط میان متغیرهای این پژوهش ۰/۳۹ است.

جدول ۳: آزمون فی و وی کرامر

	Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	.391	,010
Phi	.391	,010
Cramer's V	.391	,010
N of Valid Cases	86	

بحث و نتیجه گیری

ویژگی‌های مختلف شخصیتی بر رویدادهای مهم زندگی تاثیر می‌گذارند. (کاسپی، روبرتس و شینر، ۲۰۰۵؛ اوز و بنت بنت‌مارتینز، ۲۰۰۶). ویژگی‌های شخصیتی نقش مهمی در شیوه استدلال و تصمیم‌گیری افراد دارند. مشخص نمودن تفاوت‌های شخصیتی مرتبط با شیوه گردآوری اطلاعات و بکارگیری شواهد، می‌تواند منجر به درک بهتر و توانایی پیش‌بینی شیوه استدلال افراد شود. یافته‌های اخیر نشان داده است بعضی از ویژگی‌های شخصیتی با الگوهای تصمیم‌گیری مشخصی در ارتباط هستند (بسی، گیسبرتی، نوری و گامبرتی، ۲۰۱۰). بنابراین، این پژوهش به منظور بررسی ارتباط میان دلایلی که افراد برای طلاق بیان می‌کنند با ویژگی برجسته شخصیتی آنها صورت گرفت. طبق نتایج این پژوهش، از میان دلایل طلاق بیشترین دلایل به ترتیب به دلایل شخصی (۴۴٪)، خانوادگی (۱۸٪) و بیماری (۱۱٪) مربوط بود. این نتایج با نتایج تعداد زیادی از پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص هماهنگ است (مانند: قطبی و همکاران، ۱۳۸۲؛ مشکلی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رحیمی، ۱۳۹۰؛ صدرالاشرفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ قطبی و جزایری، ۱۳۹۶).

دلایل شخصی به ویژگی‌های فردی مانند الگوهای فکری و رفتاری و صفاتی مانند خودمحوری، بدبینی و ... اشاره دارد. اختلاف زوجین در ویژگی‌های شخصیتی و طرز فکر و بینش نسبت به مسائل مختلف زندگی نقش بارزی در بروز تعارض‌های خانوادگی دارد. اما نکته قابل توجه این است که اختلافات شخصیتی و فردی در تمام افراد منجر به طلاق نمی‌شود. یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش این بود که با بررسی متغیرهای شخصیتی افراد متقاضی طلاق مشخص شد که ۴۵٪ از افرادی که تقاضای طلاق آنها به دلایل شخصی مربوط می‌شد، واجد ویژگی‌های شخصیت هیپوکندریک بودند. بنابراین، میان ویژگی‌های شخصیت هیپوکندریک و دلایل شخصی برای طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد. از سوی دیگر ویژگی شخصیتی هیپوکندریک، بیشترین ویژگی شخصیتی در میان کلیه افراد متقاضی طلاق است (۳۳٪). این اشخاص خودمحور، ناپخته، بدبین، شرور، نالان و پرخاشگر نافع می‌باشند. آنان به ندرت ممکن است به طور مستقیم برون‌ریزی کنند، بلکه خصومت خود را اغلب به طور غیرمستقیم بروز می‌دهند و از دیگران انتقاد می‌کنند. آنان معمولاً از نشانه‌های بیماری جسمانی شکوه می‌کنند و از این راه برای تحت تاثیر قرار دادن دیگران بهره می‌برند و در نتیجه اطرافیان خود را بیچاره می‌کنند. آنان ممکن است نسبت به هر پیشنهادی مبنی بر اینکه حتی برخی از مشکلاتشان ریشه روانی دارد خشمگین شوند و چون سطح بینش آنها پایین است، به طور نوعی داوطلبان خوبی برای رواندرمانی نیستند (مارنات، ۲۰۰۳). پرواضح است که افرادی که واجد چنین ویژگی‌هایی باشند قادر به حل اختلافات بین فردی و تعارض‌های ارتباطی نیستند. افراد دارای ویژگی‌های هیپوکندریک، فشار ناشی از اختلافات فکری و شخصیتی را بر نمی‌تابند و در نتیجه فقدان مهارت‌های لازم برای حل مشکلات، وجود اختلاف را تهیدی جدی برای زندگی مشترک قلمداد کرده و بجای مهارت‌های مذاکره، حل مساله و مقابله با تعارض، گزینه طلاق را به کار می‌برند. طبق نتایج این پژوهش، ۱۸ درصد از دلایل طلاق به دلایل خانوادگی مربوط می‌شود. دلایل خانوادگی شامل مشکلات سازگاری با خانواده همسر یا دخالت خانواده زوجین می‌باشد. بیشتر افرادی که دلایل خانوادگی را مطرح کرده بودند در مقیاس‌های ۴ و ۶ به اندازه مساوی دارای برافراشتگی بودند (در هر مقیاس ۳۶ درصد از کل افرادی که به دلایل خانوادگی جدا شده بودند واجد ملاک‌های این دو مقیاس بودند). مقیاس ۴ در آزمون MMPI-2 برای سنجش سطح کلی سازگاری فرد تدوین شده است و با عنوان مقیاس انحراف اجتماعی - روانی شناخته می‌شود. یکی از ویژگی‌های افرادی که در این مقیاس دارای برافراشتگی هستند، بی‌توجهی به آداب و رسوم است (فیرس و ترال، ۲۰۰۲). با توجه به اینکه در جامعه ما بخش مهمی از آداب و رسوم، توان برقراری و حفظ ارتباط موثر با خانواده همسر است، افرادی که دارای ویژگی‌های انحراف اجتماعی - روانی هستند قادر به ایجاد یا حفظ این ارتباط نبوده و در نتیجه ارتباط زوجین از این وضعیت آسیب می‌بیند و بنابراین، طبیعی است دلایل خانوادگی را برای طلاقشان عنوان کنند.

گروه دیگری از افرادی که دلایل خانوادگی را برای طلاق خود عنوان کردند، آنهایی بودند که در مقیاس ۶ آزمون MMPI-2 (پارانویا) دارای برافراشتگی بودند. این مقیاس میزان حساسیت بین فردی، خودذبح‌شماری و بدگمانی را در شخص اندازه‌گیری می‌کند. افرادی که نمره‌های آنها در این مقیاس دارای برافراشتگی است، نسبت به نظرات دیگران و بخصوص انتقادهای حساسیت مفرط دارند و ممکن است تحت این شرایط بدرفتار و خشمگین شوند. آنها زودرنج بوده و تمایل دارند که مشکلات شخصی و خانوادگی خود را برونی‌سازی کنند (سمل، ۲۰۱۵). ویژگی‌های شخصیتی این افراد ممکن است زمینه را برای ایجاد و تشدید تعارض‌ها با خانواده همسر فراهم نموده و حساسیت مفرط و بدگمانی به این تعارض‌ها دامن بزند. برونی‌سازی کردن مشکلات و انتساب علت مشکلات به دلایل غیرواقعی، کمک‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی به این افراد را با شکست مواجه می‌سازد و در نتیجه به بهانه مشکل با خانواده همسر گزینه طلاق را انتخاب می‌کنند.

۱۱ درصد از افراد شرکت‌کننده در این پژوهش دلیل بیماری روانشناختی یا جسمانی همسر را برای طلاق خود عنوان کردند. ۴۰ درصد از افراد این گروه در مقیاس ۶ آزمون MMPI-2 (پارانویا)، دارای برافراشتگی بودند. حساسیت مفرط این افراد و بدگمانی نسبت به رفتارهای دیگران باعث می‌شود که ایجاد ارتباط صمیمانه و توأم با همدلی برای این افراد مشکل باشد (مارنات، ۲۰۰۳). فقدان همدلی بخصوص زمانی که همسر به بیماری مبتلا شود، می‌تواند موجب تخریب ارتباط شده و بدلیل وجود بیماری رابطه زوجین را به طلاق بکشاند.

به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی افراد متقاضی طلاق با نوع دلیلی که برای طلاقشان عنوان می‌کنند ارتباط دارد. افرادی که بنا به دلایل شخصی طلاق می‌گیرند بیشتر احتمال دارد که واجد ویژگی‌های شخصیتی هیپوکندریک باشند. افرادی که بنا به دلایل خانوادگی طلاق می‌گیرند بیشتر دارای ویژگی‌های شخصیتی انحراف اجتماعی - روانی بوده و افرادی که بنا به دلایل بیماری از همسر خود جدا می‌شوند بیشتر ویژگی‌های شخصیتی پارانویید دارند. اهمیت نتایج این تحقیق در این است که داده‌های حاصل از آن می‌تواند در زمینه شناسایی افراد مستعد طلاق و پیشگیری از طلاق به کار برده شود. بنابراین، سنجش ویژگی‌های شخصیتی افراد پیش از ازدواج به وسیله شخصیت‌سنج چندوجهی مینه‌سوتا ممکن است در شیوه آموزش دادن به افراد به منظور پیشگیری از طلاق سودمند باشند.

از محدودیت‌های این پژوهش نبود گروه مقایسه از میان افراد عادی بود که متقاضی طلاق نبودند. محدودیت دیگر پژوهش مربوط به عدم تمایل تعداد زیادی از افراد انتخاب شده برای شرکت در پژوهش بود. به طوری که ۳۵ نفر از ۱۲۱ نفر از شرکت در پژوهش امتناع کردند که ممکن است به دلیل قرار گرفتن در شرایط بحرانی طلاق و استرس و ناراحتی ناشی از آن باشد.

از کلیه افراد شرکت کننده در این پژوهش که با همکاری و صرف وقت ما را در انجام این پژوهش یاری دادند صمیمانه تشکر می‌کنیم.

منابع و مراجع

- [۱] ازخوش، م. (۱۳۹۲). کاربرد آزمونهای روانی و تشخیص بالینی (چاپ پنجم). تهران: انتشارات روان.
- [۲] جین سی، داک ورث. (۱۳۷۸). راهنمای تفسیر MMPI و MMPI-2 چاپ چهارم). مترجم حسن پاشاشریفی. تهران: انتشارات سخن.
- [۳] صدراالشرقی، م. خنکدار طارسی، م. شمخانی، ا. یوسفی افراشه، م. (۱۳۹۱). آسیب شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن. سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، ۵۳ - ۲۶.
- [۴] رحیمی، ح. (۱۳۷۹). بررسی عوامل طلاق در استان خراسان. فصلنامه جمعیت. سال هشتم، شماره ۲۴ - ۲۳.
- [۵] زرگر، ف. نشاط دوست، ح. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. فصلنامه خانواده پژوهی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۷۴۹ - ۷۳۷.
- [۶] قطبی، م. جزایری، ا. (۱۳۹۶). وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت-آباد. فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران. شماره ۱۲، ۱۴۱ - ۱۲۸.
- [۷] قطبی، م. هلاکویی نایینی، ک. جزایری، ا. رحیمی، ع. (۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد. دوره ۳، شماره ۱۲، ۲۸۶ - ۲۷۱.
- [۸] عزیزی، ا. اسماعیلی، ر. اسماعیلی، س. دهقان-منشادی، م. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق. نشریه پرستاری ایران، دوره ۲۹، شماره ۱۰۰ - ۹۹، صص ۳۳ - ۲۲.
- [۹] گری گراث، مارتان. (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی. مترجم حسن پاشاشریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: انتشارات رشد.
- [۱۰] مشکئی، م. شاه قاسمی، ز. نوقابی علی، د. علیرضا، م. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سالهای ۸۸ - ۸۷. نشریه افق دانش، دوره ۱۷، شماره ۱، ۴۴ - ۳۵.
- [۱۱] نبوی حصار، ج. احمدی، خ. (۱۳۹۱). اثربخشی رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر حضوردهن بر سردمزاجی زنان در آستانه طلاق. فصلنامه مشاوره و روان-درمانی خانواده، سال دوم، شماره ۳، ۴۲۴ - ۴۱۲.
- [12] Ariplackal, R., Sam Geoge, T. (2014). Psychological components for marital distress and divorce in newlywed indian couples. *Journal of divorce & remarriage*, Vol 56, N 1, pp 1 – 24.
- [13] Butcher, J., Perry, J. (2008). *Personality assessment in treatment planning. Use of the MMPI – 2 and BTPI*. OXFORD university press. New York.
- [14] Boertien, D., Von Scheve, C., Park, M. (2012). Education, personality and separation: The distribution of relationship skills across society. *SOEPpapers on Multidisciplinary Panel Data Research*, No. 487.
- [15] Cheraghali Gol, H., Rostami, A., Goudarzi, M. (2013). Prediction of marital satisfaction based on perfectionism. *Social and behavioral sciences*. Vol 89, N 2013, pp 567- 571 .
- [16] *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition*. Arlington, VA, American Psychiatric Association, 2013.
- [17] Fani, S., Kheirabadi, N. (2011). Personality trait and mental divorce. *Procedia – Social and behavioral Sciences*, Vol 30, N 2011, pp 671 – 675.
- [18] Fumero, A., Santamaria, C., Jonson – Laird, P. (2011). Ways of thinking: The effect of personality on reasoning. *J Psychology in Spain*, Vol 15, N 1, pp 87 – 93.
- [19] Gottman JM. (1994). *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- [20] Hoesle, J., Meyer, G. (2008). The factor structure of the MMPI – 2 restructured clinical (RC) scales. *Journal of personality assessment*, Vol 90, N 5, pp 443 – 455.
- [21] Hunsley, J., Hanson, R.K.S Parker, K.C.H(1990). Asummary of the reliability and stability of MMPI scales, *Journal of clinical Psychology*, Vol 44, pp 33- 45.
- [22] Roberts, B., Kuncel, N., Shiner, R., Caspi, A., Goldberg, L. (2007). The power of personality. *Journal of perspective on psychological science*. Vol 2, N 4, pp 313 – 344.
- [23] Sabha Rani, P. (2014). Correlation of the personality traits with the reasons for divorce in I.T professionals. *Journal of advanced scientific research*, 5(3): 19 – 22.

- [24] Semel., R. (2015). MMPI-2 Clinical Scale 6 (Paranoia) and Restructured Clinical Scale 6 (Ideas of Persecution) in Child Custody Litigants. *Journal of psychology and clinical psychiatry*. Vol 2, N, 1-4.
- [25] Solomon, BC., Jackson JJ. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. *J pers soc psychol*, Vol 106, N 6, pp 978 – 996.